



Judicial Virtue of Judges from the Perspective of Legal School Cultures

Taha Talebi Aghdam*¹

1. PhD, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. (Corresponding Author).
Email: Talebitaha52@gmail.com

Abstract

The implementation of fair trials is one of the fundamental principles of an Islamic society. Considering the vital role of just adjudication in achieving the Islamic-Iranian model of development, this study examines the foundations of judicial virtue from the perspective of different legal schools of thought. The judicial framework in an Islamic society is structured to ensure that people's lives, property, and honor are not placed in the hands of unworthy individuals, and that individual and societal rights are not sacrificed for personal biases or the agendas of self-serving and deviant groups. The findings of this research indicate that the key characteristics of judicial virtue can be derived from the Holy Quran and the life of the Infallibles. These characteristics include fairness in adjudication, sincerity in action and self-discipline, good conduct and respectful treatment of others, upholding equality and justice in judgment and enforcement of rulings, responsibility and accountability towards rightful claimants, and firmness in judgment and dealing with offenders.

Keywords: Judicial culture, judicial virtue, legal schools of thought, ethics of judges

Received: March 12 2024
Revised: April 4, 2024
Accepted: April 14, 2024
Available Online: May 2, 2024

Article Type: Research Paper
Published by: Hazrat-e Masoumeh University
DOI: 10.22034/cjls.2025.2052680.1029



فضیلت قضایی دادرسان از منظر فرهنگ نحله‌های حقوقی

طه طالبی اقدم^۱

۱. دانش‌آموخته دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: Talebitaha52@gmail.com

چکیده

فضیلت‌های قضایی دادرسان، به عنوان یکی از ارکان اساسی در نظام‌های حقوقی، نقش بسزایی در تضمین عدالت و اجرای صحیح قوانین دارند. این پژوهش با هدف بررسی مفهوم و ابعاد فضیلت قضایی دادرسان از منظر فرهنگ نحله‌های حقوقی مختلف، به تحلیل ویژگی‌ها و رفتارهای دادرسان در راستای تحقق عدالت می‌پردازد. با توجه به تنوع فرهنگی و حقوقی در نحله‌های مختلف، این مقاله تلاش می‌کند تا تفاوت‌های رویکردها و تأثیرات آن‌ها بر کیفیت دادرسی و ارزیابی فضیلت‌های قضایی را مورد بررسی قرار دهد. همچنین، اهمیت و تأثیر فضیلت‌های اخلاقی و حرفه‌ای دادرسان در ارتقاء اعتماد عمومی به نهاد قضایی و تأثیر آن بر نتیجه‌گیری‌های قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ‌های حقوقی مختلف، با توجه به نگرش‌های فلسفی و اخلاقی خاص خود، تعریف و اولویت‌های متفاوتی در خصوص فضیلت‌های قضایی دادرسان دارند، اما در نهایت همه آن‌ها بر اهمیت رعایت انصاف در دادرسی همراه با اخلاص در عمل و تهذیب نفس خوش‌رفتاری و برخورد نیکو، رعایت مساوات و عدالت در دادگری و اجرای حکم مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نسبت به صاحبان حق قاطعیت در قضاوت و برخورد با خاطیان آگاهی تأکید دارند.

واژگان کلیدی: فرهنگ قضاوت، فضیلت قضایی، نحله‌های حقوقی، اخلاق دادرسی

تاریخ دریافت:	۱۴۰۲/۱۲/۲۲	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۰۱/۱۶	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۱/۲۶	DOI:	10.22034/cjls.2025.2052680.1029
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۰۲/۱۳		

نظام‌های قضائی در هر کشور، به عنوان یکی از ارکان اصلی حفظ عدالت و نظم اجتماعی، نیازمند افرادی هستند که در فرآیند دادرسی، نه تنها از دانش و توانمندی‌های حقوقی برخوردار باشند، بلکه ویژگی‌های اخلاقی و فضائل شخصی نیز در رفتار حرفه‌ای آنان نقش بسزایی ایفا کند. فضیلت‌های قضائی دادرسان، که مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اصول اخلاقی همچون انصاف، صداقت، شجاعت و تعهد به اجرای عدالت است، اساس شکل‌گیری تصمیمات قضائی صحیح و عادلانه را تشکیل می‌دهند. در این میان، فرهنگ‌های مختلف حقوقی و فقهی هر کدام از منظر خاص خود به بررسی فضیلت‌های قضائی پرداخته و به شیوه‌های گوناگون بر لزوم حفظ این ویژگی‌ها در دادرسان تأکید دارند. برای قضات اخلاق و رفتار حرفه‌ای نوعاً به معنای شاخصه‌های یک قاضی خوب است. با این حال، مشخص نیست که این شاخصه‌ها چه هستند. اگرچه منابع متعدد علمی اطلاعات و دانشی را پیرامون ویژگی‌های یک قاضی خوب فراهم آورده است، بنابراین در مقاله پیش‌رو از منظر شاخصه‌های اخلاق و رفتار حرفه‌ای، ارزش‌ها و فضیلت‌هایی را که قضات برای موفقیت در عملکردهای قضایی به آن احتیاج دارند مورد بررسی قرار می‌دهیم. بررسی فضیلت‌های قضائی دادرسان از منظر فرهنگ نحله‌های حقوقی، به‌ویژه در جوامعی که با تنوع فقهی و حقوقی مواجه‌اند، می‌تواند به درک بهتر از اهمیت این ویژگی‌ها در عملکرد دادرسان و همچنین ارتقاء کیفیت دادرسی در این نظام‌ها کمک کند. تفاوت‌های موجود در رویکردهای فقهی و حقوقی به مفهوم عدالت و فضیلت قضائی، تأثیرات مهمی بر نحوه برخورد با پرونده‌ها، صدور احکام و جلب اعتماد عمومی از سوی دادرسان دارد.

این پژوهش در تلاش است تا با بررسی تطبیقی نظرات و رویکردهای مختلف حقوقی و فقهی، به تحلیل و ارزیابی فضیلت‌های قضائی دادرسان پرداخته و نشان دهد که چگونه این فضائل در نحوه دادرسی، حل و فصل پرونده‌ها و تحقق عدالت نقش ایفا می‌کنند. همچنین، این تحقیق به تأثیرات فرهنگی و اخلاقی این فضیلت‌ها بر توسعه و تقویت اعتماد عمومی به نهاد قضائی پرداخته و اهمیت حفظ و ارتقاء آن‌ها را در نظام‌های قضائی برجسته می‌سازد.

با انجام این پژوهش قادر خواهیم بود نگاه کلی از ریشه‌ها و نحوه رشد فضیلت‌های قضایی ارائه داده و برداشت‌های متفاوت از آن را در بستر فرهنگ‌های حقوقی کنونی مورد ارزیابی قرار دهیم. علاوه بر این ضمن تمرکز بر نقش‌ها و مسئولیت‌های فعلی قضات دیدگاه‌های دانشمندان و فعالان قضایی را در باب ویژگی‌های یک قاضی شایسته مورد بررسی قرار می‌دهیم. با جمع‌بندی تمامی دیدگاه‌های مرتبط با این موضوع می‌توانیم اصلی‌ترین شاخصه‌ها و فضیلت‌های قضایی را

شناسایی کنیم. ما همچنین به بررسی این مسئله می‌پردازیم که چگونه این شاخصه‌ها و مهارت‌ها بهبود می‌یابند.

۱. اخلاق حرفه‌ای دادرسان

اخلاق حرفه‌ای قضا عبارت است از اخلاق حقوق محور در نهاد قضا به بیان دیگر سبک رفتار قضایی بر پایه رعایت حقوق طرف ارتباط که بر اساس الگوی اخلاق حقوق محور تنظیم می‌یابد به این معنا که هر یک از قاضی مدعی، مدعی علیه، وکیل منشی و کارمند در نهاد قضا نسبت به یکدیگر هم تکلیف دارند و هم حق در اخلاق قضا تقدم با تکلیف است؛ یعنی مبتنی است بر پایه من وظیفه دارم و دیگران حق با شما حق دارید و من تکلیف اخلاق حرفه‌ای قضا شاخه‌ای کاربردی از اخلاق است که سعی دارد با استفاده از روش‌های تحلیل صحیح درست و نادرست را در حیطه عملکرد امر خطیر قضا تبیین نماید. (ایزدی فرد و حسین نژاد، ۱۳۹۷، ص ۲۱)

موارد و موضوعاتی که در اخلاق حرفه‌ای قضا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، نه به عنوان آداب قضا است که جزء مستحبات و مکروهات باشد و قاضی در انجام یا عدم انجام آن مسئولیتی ندارد و نه جزء احکام قضا و حکم قضایی است که به عنوان ارکان و عناصر مؤثر در صدور حکم در فرآیند دادرسی مطرح است؛ اما درعین حال، به عنوان تکلیف جهت رعایت حقوق طرف ارتباط یعنی طرفین دعوا شهود وکیل و غیره می‌آید. به بیان دیگر اخلاق حرفه‌ای قضا عبارت است از مدیریت احساس برای حداکثرسازی احساس خدمت‌رسانی بر اساس حق محوری عدالت قضایی در فرآیندهای قضایی. به هر حال، فضای قانونی ناخودآگاه مدیریت احساس و عاطفه را درگیر خودش می‌کند. باید کاری کنیم که هر دو طرف احساس کنند که قاضی قصد خدمت‌رسانی دارد در اخلاق حرفه‌ای قضا به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که علاوه بر اقدامات لازم در صدور و اجرای حکم چه کاری بهتر است تا انجام داد؟

در اخلاق حرفه‌ای قضا، دادرس، خواهان خوانده، شهود وکیل حضار، منشی و کارمند دادگاه نسبت به یکدیگر هم حق دارند و هم تکلیف؛ اما اصل بر تقدم تکلیف بر حق است؛ یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران بر اساس الگوی اخلاق حقوق محور انسان مسلمان در زندگی خود بر اساس دانایی به این امر است که اولاً درصدد تدوین مسئولیت‌های خود در قبال حقوق دیگران برمی‌آید و این‌که چگونه می‌توان به هر یک از آن مسئولیت‌ها به خوبی عمل کرد؛ ثانیاً می‌داند که احقاق حق در سایه عمل به تکلیف است؛ به این معنا که بهترین راه رسیدن به حق خود رعایت حقوق دیگران و نیز عمل به وظایفی است که بر عهده انسان است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)

فرمود: «انسان مسلمان هیچ‌گاه دیگری را تحقیر نمی‌کند و حقوق دیگران را ضایع نمی‌سازد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۵۸)

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که بی‌توجهی به حقوق دیگران در واقع بی‌توجهی به خدا و تحقیر اوست. (حر عاملی، بی‌تا ج ۸، ص ۵۸۹)

تکلیف بر حق که نقطه مقابل فرهنگ استبدادی رفتار ارتباطی من حق دارم و دیگران وظیفه اولاً موجب اعتماد آفرینی، بالا رفتن کیفیت، افزایش رضایت و مشارکت دیگران و جذب منابع انسانی و مالی و اعتباری و فناوری می‌گردد؛ ثانیاً انرژی منفی ضایعات ناامنی روانی و تنش‌های اجتماعی و فرهنگی را کاهش می‌دهد؛ ثالثاً بر اساس اصل مزبور مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی مبتنی بر نگرش کل‌گرایانه و سیستمی است؛ رابعاً در این تفکر انسان فقط به انجام تکلیف، آن هم به نحو پسندیده و نیکو می‌اندیشد. (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۷، صص ۲۱ و ۲۲)

اخلاق حرفه‌ای قضا مبتنی بر اصول مهمی است از جمله اصل تقوی محوری به این معنا که در هر تصمیم رفتار و احساس درونی از خود بپرسم آیا خداوند راضی است. اصل برابری نسبت به قوانین به این معنا که در هر رفتاری با فرد دیگر ابتدا خودم را به جای او بگذارم و ببینم آیا چنین رفتاری را با خود می‌پسندم. اصل خدمت‌گزاری یعنی احساس مسئولیت نسبت به هر فرد مرتبط و هر چیز مرتبط اصل اخلاص یعنی تلاش حداکثری بدون توقع برای انجام درخواست‌های دیگران. اصل بهبود مستمر به این معنا که برای انجام تعهداتم نیاز به پیگیری دیگران نداشته باشم و خودم با دقت تعهداتم را هر روز بهتر از دیروز به انجام برسانم.

با توجه به آنچه پیش آمد می‌توان گفت که اولاً اخلاق قضا معطوف به رفتار قضایی بر اساس عدالت است؛ ثانیاً اخلاق قضا در متن قضا بوده و براساس آن (برخلاف آداب قضا) می‌توان حکم به وجوب با حرمت داد به گونه‌ای که در تنفیذ و قطعیت حکم مؤثر است. این وجوب با حرمت بر مبنای ادله شرعیه کتاب و سنت، بناء عقلا و احکام حکومتی بر اساس مصلحت و عدالت و انصاف است. (همان، ص ۲۳)

فردی که آداب اخلاقی را رعایت می‌کند خواسته‌های خود را به نفع دیگران تعدیل می‌کند و با تقویت و پرورش ابعاد معنوی همواره در راه خدمت به هموعان اقدام می‌نماید. رعایت شئونات اخلاقی در محیط کار و نزد مراجعان یکی از مهم‌ترین اصول هر حرفه و شغل است. حرفه خطیر قضا نیز نه تنها از این قاعده مستثنی نیست بلکه قضات به جهت سروکار داشتن با پرونده‌های مربوط به جان و مال و نوامیس مردم می‌بایست بیش از هر کس مراعات اخلاق حرفه خود را نموده و شأن و جایگاه ویژه آن را در میان مردم حفظ نماید.

۱-۱. فضیلت‌های قضایی آرمانی در فرهنگ‌های حقوقی متفاوت کنونی

تفاوت‌هایی میان تصویر قضات در فرهنگ‌های حقوقی غربی و دیگر نقاط جهان قابل مشاهده است. کشورهایی که مستعد بحران‌های امنیتی هستند مانند فرهنگ‌های آفریقایی و کشورهای خاورمیانه در مقایسه با دستگاه‌های حقوقی مدرن «مدنی» و کاملاً توسعه و پیشرفت کمتری دارند. آن‌ها مفاهیم سنتی قوانین را حفظ کرده و تمایز بین حقوق و مذهب را رد می‌کنند. در بسیاری از فرهنگ‌های سنتی، قاضی همچنان به‌عنوان نماینده خداوند دانسته می‌شود. (بهرامی، بی‌تا، ص ۳۴۵)

در خاورمیانه که تحت سیطره قانون شرع اسلام قرار دارد، قاضی احکام قضایی را منطبق بر شریعت اسلامی صادر می‌کند. در این سنت حقوقی قضات از میان مسلمانان بالغ عاقل آزاد و علمای متبحر و آموزش‌دیده انتخاب می‌شوند. عملکرد آن‌ها باید کاملاً منطبق بر شریعت باشد و نمی‌توانند به تفسیر شخصی خود متوسل شوند. هر قاضی منبع عدالت مطلق الهی است بنابراین درخواست تجدیدنظر علیه حتی اگر شریعت، قضاوت‌های آن‌ها امکان‌پذیر نیست. تصدی هر دو جنسیت مؤنث و مذکر را در پست قضاوت مجاز دانسته باشد اما در تاریخ اسلام عملاً برای تصدی زنان در این سمت ممنوعیت‌هایی وجود داشته است و تنها اخیراً زنانی به‌عنوان قاضی برگزیده شده‌اند. باین وجود، بسیاری از علمای مسلمان هنوز بر این باورند که زنان برای اتخاذ تصمیم‌گیری‌های حقوقی بیش از حد احساسی هستند و قادر نیستند موقعیت‌های پیچیده را حل و فصل کنند. (ارسطو، ۱۴۰۰، ص ۷۶)

در فرهنگ‌های آفریقایی دستگاه قضا به‌صورت متمرکز سازمان‌دهی نشده است و دستگاه‌های حقوقی به‌وسیله قوانین عرفی نانوشته سنت‌ها و عملکردهایی که عمدتاً از طریق آموزش‌های شفایی بزرگان قبیله‌ای به‌دست آمده‌اند هدایت می‌شوند. قبایل بر اعضای خود صلاحیت شخصی دارند و رهبر قبیله مسئولیت اجرای قانون و محکوم کردن قصور و اشتباهات را بر عهده دارد. رئیس قبیله به‌وسیله مردان قبیله انتخاب‌شده و به تعبیر دیگر ریش سفید قبیله است و قدرت فیزیکی و مهارت‌های شکار قابل توجهی دارد. در هنگامی که رئیس جدید انتخاب می‌شود قدرت خدایان در او به ودیعه گذاشته می‌شود و به نام آن‌ها تصمیماتش را اتخاذ می‌کند. (همان، ص ۸۶)

در بخش‌هایی از جهان سنت‌های حقوقی کولی‌ها مشهود است. «کریس» (دادگاه) مسئولیت دادرسی را بر عهده دارد. استدلال‌ات از طریق یک فن خطابه ویژه‌ای مطرح می‌شود که به زبان فنی حقوقی شباهت دارد. تعداد محدودی از قضات که هیچ صلاحیت‌های رسمی ندارند بر اجتماعات کریس (دادگاه) ریاست می‌کنند. این قضات با درخواست طرفین دعوا در دادگاه حاضر می‌شوند.

برخی از آن‌ها بر دادخواست‌های ارائه‌شده توسط اصحاب دعوا و برخی دیگر بر دفاعیات طرفین متمرکز می‌کنند. قضات مزبور رأی خود را تحمیل نمی‌کنند بلکه دستیابی به اجماع با همه بزرگسالان حاضر در اجتماع کریس که قادر به صحبت کردن و شنیدن هستند، ملاک اساسی است. (ملکی و اسماعیلی، ۱۴۰۰، ص ۲۶)

در جوامع غربی مدرن سنت‌های حقوقی «کامن لا» و «مدنی» (رومی ژرمنی) قابل تمایز است. در کشورهای با سنت حقوقی کامن‌لا قضات از فعالان حقوقی انتخاب می‌شوند و از ارکان اصلی کل سیستم حقوقی به شمار می‌آیند پیش از تصدی مسند قضاوت باید سابقه وکالت داشته باشند و تجربه فعالیت به‌عنوان دادستان نیز به متقاضیان پست قضاوت مؤکداً توصیه می‌شود. در این قبیل دستگاه‌های حقوقی قاضی عالی‌ترین شغل حقوقی محسوب می‌شود. برگزیده شدن در سمت قضاوت منوط به طی یک فرایند طولانی مدت است و متقاضی پست قضاوت باید به‌عنوان یک وکیل تجربه کسب کند و بر روی مهارت‌های وکالت و دفاع از پرونده تمرکز کرده و تخصص حقوقی خود را ارتقاء بخشد در سیستم حقوقی ترافعی کشورهای کامن‌لا قضات میانجی‌گرانی منفعل هستند که بر اساس دفاعیات وکلای دعوا تصمیم می‌گیرند. به دیگر سخن، در این سیستم حقوقی از وکلا در نقش «جنگجو» و از قاضی به‌عنوان «امپراتور میانجی‌گر» یاد می‌شود. تصویر یک قاضی کامن‌لا در تلویزیون فیلم‌ها و داستان‌ها به‌وفور یافت می‌شود. این تصویر ساختگی غالباً فردی دلسوز و شفیق را تداعی می‌بخشد. در پاره‌ای از اوقات قاضی تا حد یک قهرمان و یک شهید تقدیس می‌شود و بعضاً قاضی را به طرز ناخوشایندی بی‌عاطفه و بی‌احساس معرفی می‌کنند. باین حال، خصوصیت‌های ذاتی شخص قاضی است که به حل و فصل «اخلاقی» و «عادلانه» موضوعات منتج می‌گردد چه این تأثیر از طریق یک سیستم قانونی اعمال شود و یا از رهگذر ابزارهای فراقانونی امکان‌پذیر شده باشد. (Weyrauch, 2001, pp.42-46) در سنت‌های حقوقی انگلیسی - آمریکایی به‌جای ارائه یک تصویر مبتنی بر فعالیت جمعی و یک سیستم حقوقی هماهنگ فرد قهرمان نابغه در مرکز توجه قرار می‌گیرد؛ برعکس دستگاه‌های حقوقی کامن‌لا که قضات پیش از ورود به سمت قضایی سابقه فعالیت در عرصه‌های متفاوت حقوقی را دارند، دانش‌آموختگان حقوق در دستگاه‌های حقوق مدنی اروپای قاره‌ای می‌توانند پس از گذراندن چندین سال در قوه قضاییه به‌عنوان کارآموز مستقیماً مقام قضاوت را کسب کنند. در رویه بازرسی دستگاه‌های حقوق مدنی قضات به دلایلی مانند هدایت فرایند دادرسی تضمین حقوق طرفین فراهم ساختن شواهد لازم و اعتباریابی آن‌ها و همچنین تمدید زمان دادرسی به‌منظور دستیابی و صدور یک حکم متقن نقش فعالانه‌ای را بر عهده دارند. قضات حقوق قاره‌ای در دادرسی‌های

مدنی نقش فعالی را در مدیریت پرونده ایفا کرده‌اند تا تصمیم منصفانه‌ای را در بازه زمانی معقولی فراهم آورند. (The Big Interview, 2017)

علی‌رغم اختلافات مزبور دستگاه‌های حقوقی کامن‌لا و مدنی (قاره‌ای)، تأثیر متقابلی بر یکدیگر داشته‌اند که این تأثیرات متقابل و استانداردهای مشترک میان این دو سیستم حقوقی که مورد اذعان دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز قرار گرفته سبب بروز همگرایی در این فرهنگ‌های قضایی شده است.

۱-۲. فضایل قضایی از منظر علم حقوق

علم حقوق دیدگاه‌های متفاوت پیرامون مهارت‌های قضایی مرجع قضات را مورد توجه و بررسی قرار داده است. مرور و بازبینی این نظرات حقوقی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا قضات از علم حقوق تأثیر می‌پذیرند و نظریه‌های حقوقی در بهبود عملکرد قضایی نقش ایفا می‌کنند.

در علم حقوق وجود تعارض میان قانونمندی و عدالت یکی از مباحث اساسی به شمار می‌آید. نظریه حقوق طبیعی بر این باور است که یک قاضی خوب باید برای تصمیم‌گیری اخلاقی استدلال‌ات حقوقی ارائه دهد و هنجارهای حقوقی می‌باید در تطابق با انتظارات اخلاقی جامعه تفسیر شوند برخلاف این دیدگاه «اثبات‌گرایی حقوقی قانونمندی را بر انصاف مقدم می‌داند و تنها تفسیر تحت‌اللفظی از قوانین را می‌پذیرد.» (اصول بنگلور در رفتار قضائی، ۱۳۸۴، ص ۱۹)

بر اساس مشرب حقوقی مثال باوری فضیلت‌های قضایی شامل ویژگی‌های اخلاقی و فکری است. راست‌گویی، مناعت طبع، شجاعت و محتاط بودن از جمله فضیلت‌های اخلاقی به شمار می‌آیند که انتظار می‌رود یک قاضی خوب دارا باشد.

فضیلت‌های فکری مرتبط و ویژگی‌هایی چون روشن‌اندیشی، پشتکار و استقامت در کار استقلال فکری، فروتنی فکری و حکمت عملی را در برمی‌گیرد. فضیلت قضایی مهم دیگر تبعیت از قانون یا پاک دستی قضایی است. وجود یک تعادل مطلوب میان این مشخصه‌ها سبب پرورش یافتن قضاتی می‌شود که در عرصه‌ی عمل شایسته قابل‌تحسین و کاریزماتیک هستند. (بهرامی، بی‌تا، ص ۱۵۲)

نظریه دوست مدنی به این مسئله اشاره می‌کند که یک قاضی خوب باید نگرش خیرخواهانه‌ای نسبت به شهروندان در معرض خطر داشته باشد خیرخواهی متقابل اعتماد و ابراز نگرانی واقعی نسبت به همه افراد اجتماع لازم و ضروری است. قاضی باید خیر اعضای جامعه را به بهترین شکل ممکن دنبال کرده و برآورده سازد. در این مورد حتی شهروندانی که محکوم می‌شوند نیز باید حکم قضایی را مشروع دانسته و آن را بپذیرند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۶)

نظریه فضیلت‌های قضایی شش‌گانه اعلام می‌کند که بینش قضایی، شجاعت، میان‌رویی، عدالت، بی‌طرفی و استقلال از جمله ویژگی‌هایی هستند که برای فهم کیفیت اخلاقی یک حکم قضایی غیرقابل انکار است. «بینش قضایی» همان موقعیت‌شناسی است و به حساسیت ادراکی به منظور فهم و پاسخ‌گویی مطلوب به جزئیات یک پرونده و همچنین درک آشکار موضوعاتی که قضات با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند اشاره دارد. «شجاعت» قضایی یک توانایی ذاتی و درونی است که قضات را قادر می‌سازد تا بر تهدیدها ترس‌ها و فشارها غلبه کنند و علی‌رغم انتقادات و واکنش‌ها عدم محبوبیت و منزوی شدن وظیفه مقدس خود را انجام دهند. «میان‌رویی» قضایی توانایی خویشتن‌داری و کف نفس‌نفس است که تمنیات نیازها تمایلات و احساسات شخصی را تأثیرناپذیر می‌سازد. «عدالت» قضایی به این مسئله اشاره می‌کند که یک قاضی مایل باشد از ارزش‌های اخلاقی که در قوانین و هنجارهای زیربنایی مطرح شده است پاسداری کند. «بی‌طرفی» به این معنا است که قاضی در هنگام رسیدگی به یک پرونده خود را از تعلقات زندگی روزمره دور سازد. یک قاضی بی‌طرف ملاحظاتی را که در منافع تعصب‌ها، احساسات و تعهدات ذهنی ریشه دارد تشخیص داده و نادیده می‌گیرد. با این حال، این بدان معنا نیست که قاضی تجارب تعهدات و نگرانی‌های شخصی را کنار گذارد یا ویژگی‌های شخصیتی خود را از دست دهد. «استقلال» با شجاعت قضایی پیوند دارد و تلویحاً به این مسئله اشاره دارد که یک قاضی تحت تأثیر فشارها و عوامل بیرونی قرار نگیرد. لزوم وجود این فضیلت به‌طور ویژه در پرونده‌هایی احساس می‌شود که افکار عمومی نسبت به آن‌ها حساس‌اند یا منافع افراد ذی‌نفع در آن‌ها دخیل است. (همان، ص ۲۳۸) فضیلت‌های قضایی مذکور متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند اگر قاضی یکی از این فضایل را نداشته باشد دیگر فضیلت‌ها نیز در خطر قرار می‌گیرد.

۱-۳. نگرش حقوق‌دانان در رابطه با ضروریات تکامل اخلاقی یک قاضی

بعد از مرور نظریه‌های حقوقی مرتبط با فضیلت‌های قضایی لازم است که دیدگاه خود قضات را در مورد فضیلت‌های ضروری قاضی خوب مورد بررسی قرار دهیم. به منظور دستیابی به این هدف از متقاضیان تصدی منصب قضات و قضات باتجربه نظرسنجی‌هایی صورت گرفت.

در جوامع بین‌المللی دانش‌آموختگان دانشکده حقوق که خواهان کارآموزی قضایی هستند در یک امتحان ورودی که به صورت رقابتی برگزار می‌شود؛ شرکت می‌کنند. در این امتحان از داوطلب خواسته می‌شود که مقاله‌ای در مورد موضوع مشخصی بنویسد. در سال ۲۰۱۶ یکی از موضوعات از این قرار بود که ویژگی یک قاضی خوب چیست؟ بسیاری از شرکت‌کنندگان در آزمون این

موضوع را انتخاب کرده بودند و چیزی حدود ۱۳۰ صفحه مطلب در مورد آن نوشته شده بود. اگرچه این افراد سابقه کاری در سیستم قضایی را نداشتند اما دیدگاه‌های قابل توجهی در مورد فضیلت‌های قضایی ارائه داده بودند. آن‌ها غالباً بر ارزش‌های مشابهی تأکید کردند که ما در بخش پیشین بازبینی ادبیات علم حقوق و بررسی فضیلت قضایی در بستر تاریخی به آن‌ها اشاره کردیم. پرتکرارترین و متداوم‌ترین گزینه‌ای که شرکت‌کنندگان به‌عنوان فضیلت مهم به آن اشاره کرده بودند. (Cavinett, 2003, pp936-944) جانب‌دار نبودن قاضی بود و پس از آن فضیلت‌هایی چون «استقلال» و «همدلی» مطرح شده بود. از جمله دیگر مهارت‌های مورد تأکید آن‌ها می‌توان به «واقع‌نگری» داشتن تخصص در زمینه دانش حقوقی «محترمانه رفتار کردن»، «توانایی برقراری ارتباط در محیط کار» و «دقت نظر» نیز اشاره کرد.

در بخش دیگری از تحقیق ما از قضات کارآموز درخواست کردیم تا پنج مشخصه مورد نیاز یک قاضی خوب را اعلام کنند و آن‌ها مجموعاً بر ۳۰ ارزش متفاوت تأکید کردند که غالباً مشابه همان فضیلت‌هایی بود که مورد تأکید داوطلبان منصب قضاوت نیز قرار گرفته بود. با این حال، از نظر قضات کارآموز سه فضیلت «همدلی»، «واقع‌بینی» و «دقت نظر» اهمیت اساسی داشت و پس از آن ویژگی‌هایی چون «آمادگی کافی برای تصدی منصب قضا» و «اعتمادبه‌نفس» مورد تأکید قرار گرفته بود. (بهرامی، بی‌تا، ص ۲۳۲)

در حالی که قضات کارآموز به‌صورت تدریجی خود را با حرفه قضاوت تطابق داده و راه و روش خود را می‌یابند؛ با این حال، نتایج نظرسنجی نشان می‌دهد که ارزش‌های بنیادین تغییر نمی‌کند. نظرسنجی‌های جداگانه از قضات باتجربه و قضات دادگاه عالی مجارستان پیرامون ویژگی‌های قاضی خوب نیز مؤید نکته مزبور بوده است.

مصاحبه‌هایی با قضات برجسته که رسیدگی پرونده‌های جزایی و مدنی مرتبط با رسانه و فرهنگ را بر عهده داشتند نیز صورت گرفت و آن‌ها به اتفاق اعلام کردند که اساسی‌ترین فضیلت قضایی که قضات به آن نیاز دارند دانش حقوقی گسترده و عمیق در آیین دادرسی و یا قوانین ماهوی است. علاوه بر آن داشتن مهارت‌های فردی نیز توسط مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان یک فضیلت غیرقابل‌انکار معرفی گردید. غالب آن‌ها تأکید کردند که قضات باید سخت‌کوش و مقاوم باشند و همچنین باید دارای ویژگی‌هایی چون «همدلی» «صبر»، «تساهل»، «بی‌طرفی» «درستکاری» و «قاطعیت» باشند. برخی نیز اعلام کردند که یک قاضی خوب باید با صبر و طمأنینه در پی کشف حقیقت برآید. (یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲)

۲. شاخصه‌های دادرس شایسته و چگونگی ارتقاء این شاخصه‌ها

با استعانت به بازبینی دیدگاه‌های تاریخی جغرافیایی و علمی و همچنین تحقیقات تجربی که از دیدگاه قضات صورت گرفت می‌توانیم یافته‌های تحقیق حاضر را به‌صورت خلاصه بیان کنیم. ما بر این باور هستیم که اخلاق به معنای خوب بودن است و رعایت اصول اخلاقی است که سبب مطرح‌شدن قضات شایسته می‌شود. اصول اخلاقی همیشه ثابت نیستند، بلکه ماهیتی مکان‌مند و زمان‌مند دارند. همچنین معنای آن‌ها متغیر است و ذاتی و جوهرگرایانه نیستند. اخلاقیات قضایی اصولی بنیادین هستند که سبب می‌شوند قاضی وظایف خود را به‌درستی انجام دهد. بزرگ‌ترین دارایی یک سیستم قضایی اعتماد مردم به آن سیستم است. نمی‌توان به مردم حکم کرد که دستگاه قضایی را مقبول و مشروع بدانند و به آن اعتماد کنید بلکه اعتماد مردم را باید جلب کرد و دستیابی به این هدف تنها از طریق ارتقاء اخلاقیات فردی و اجتماعی حاصل می‌شود؛ بنابراین فضیلت‌های قضایی باید شناسایی گردند و سپس ارتقاء یافته و عملیاتی شوند. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۳۶۲)

۲-۱. عدالت قضایی و اخلاق حرفه‌ای دادرسان

بدون شک عنصر عدالت از جمله ارکان و زیربنای قضاوت است. لذا با توجه به اهمیت عدالت در نهاد قضا پس از روشن شدن ماهیت اخلاق حرفه‌ای قضا در فصل اول، قبل از ورود به بحث از شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای قضا لازم است مفهوم عدالت و اشتراط آن در قاضی و اهمیت آن در نهاد قضا به عنوان مبنای اخلاق حرفه‌ای قضا روشن شود. در این بخش به تحلیل هر یک این مباحث پرداخته می‌شود. بدون تردید مبنای اصلی اخلاق حرفه‌ای قضا، عدالت قضایی در صدور و اجرای احکام است. در حوزه سیاست و اجتماع، دادورزی و اجرای عدالت با سابقه‌ترین آرمانی است که همواره دغدغه خاطر حکیمان و مصلحان اجتماعی بوده است. افلاطون کتاب جمهوری را به منظور تبیین این اندیشه نوشت. او معتقد بود که مدینه فاضله زمانی شکل می‌گیرد که حاکم مدینه خود را وقف عدالت کند و جامعه بر محور عدل سامان یابد.

فارابی در سیاست مدینه بر این رویکرد تأکید کرد که وظیفه سیاست‌مدار مدینه، نظام‌مند ساختن روابط اعضای جامعه بر اساس عدل است. خواجه نصیر طوسی در اخلاق ناصری عدالت را مبنای حقوق دانسته و بر این باور است که عدالت زمینه‌ساز تعاون و تعاون شرط تکامل اجتماعی است.

در اسلام یک ساعت عدالت‌ورزی از هفتادسال عبادت برتر است. عدل، منطق قرآن زندگی پایداری، قدرت نظام حکومت معیار سیاست‌ورزی نور چشم حکومت‌ها، زیبایی سیاست‌مداران، آسودگی فزاینده

برکت، عزت بزرگی و موجب آبادانی و عمران شهرها است. (نظری توکلی، ۱۳۹۸، ص ۵۲)

عدالت یعنی اعطای حق هر ذی حق به وی نهج البلاغه، خطبه (۳۷) پس حق و عدالت در کنار هم معنا می‌یابند. با اجرا شدن عدالت می‌توان باور داشت که مردم به حق خود رسیده‌اند. در واقع در برابر هر حقی، تعهدی عام وجود دارد؛ یعنی هر حقی به نفع یک فرد یا یک جمعیت موجب حقی دیگر است که آن‌ها را متعهد می‌کند. هر حقی وقتی الزام‌آور می‌گردد که دیگری هم وظیفه خود را در مورد حقوقی که بر عهده دارد انجام دهد؛ بنابراین، اعطای حق؛ یعنی مراعات حقوق دیگران، عادل بودن قاضی و اجرای عدالت قضایی توسط او گامی بسیار مهم در تحقق اخلاق حقوق محور در نهاد قضا است. به همین جهت عدالت به عنوان یکی از شرایط احراز منصب قضا و عدالت قضایی از ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر قانون‌گذار ایران نیز با پیروی از فقه امامیه شرط عدالت قاضی را مورد تأکید قرار داده است. اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه به عنوان عالی‌ترین مقام این قوه را استخدام قضات عادل و شایسته مقرر داشته است. هم‌چنین در اصل ۱۶۳ قانون اساسی آمده که صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به‌وسیله قانون معین می‌شود. وانگهی بهره‌مندی از عدالت در دادرسی‌ها و محاکمات قضایی به عنوان یکی از حقوق ملت در حقوق اسلام و قوانین مختلف کشور مورد تأکید قرار گرفته است و به دلیل اهمیت آن قانون‌گذار ایران ایجاد مانع برای تحقق عدالت قضایی را جرم تلقی و برای آن مجازات تعیین کرده است. عدالت در قضاوت که در اصول ۳۲ تا ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته، مبتنی است بر رعایت عدل و انصاف نسبت به حقوق دیگران و احساس تکلیف در برابر آن از این‌رو، کسی که بر مسند قضاوت می‌نشیند؛ اولاً برای دیگران حق قائل است. ثانیاً در برابر حقوق دیگران احساس مسئولیت کرده و خود را ملزم به رعایت آن می‌داند. رعایت عدالت قضایی در امر قضاوت، زمینه‌ساز تحقق محاکمه عادلانه، رعایت حقوق طرفین دعوا و احقاق حق است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۳)

در بحث از شخصیت اخلاقی قاضی مسئله عدالت نقش محوری دارد. عدالت قاضی به عنوان مبنای اخلاق حرفه‌ای قضا که زمینه‌ساز «عدالت قضایی» در سیستم قضایی می‌گردد. از دو منظر قابل بحث است؛ یکی شرط عدالت در قاضی و دوم عدالت قاضی در انجام قضاوت بدون شک قاضی عادل می‌تواند مجری عدالت در امر قضا باشد و در حقیقت تحقق عدالت در قاضی زمینه‌ساز تحقق عدالت در نهاد قضا است. به همین جهت است قوانینی که در رابطه با استخدام قضات به تصویب رسیده همگی عدالت را به عنوان شرط تصدی امر قضا معرفی کرده‌اند.

عنصر عدالت بدون شک از جمله ارکان و زیربنای قضاوت است؛ بنابراین با توجه به اهمیت

عدالت در نهاد قضا پس از روشن شدن ماهیت اخلاق حرفه‌ای قضا لازم است مفهوم عدالت و اشتراط آن در قاضی و اهمیت آن در نهاد قضا به عنوان مبنای اخلاق حرفه‌ای قضا روشن شود.

۲-۲. شناسایی شاخصه‌های قضایی

با عنایت به دانش حاصل از منابع بررسی شده و بر پایه تحقیقات، ترجیحات و نظرات شخصی مان تلاش می‌کنیم شاخصه‌های قضایی را طبقه‌بندی کرده و بر اساس اهمیت اولویت‌بندی کنیم. ما بر این باوریم که هیچ شاخصه‌ی قضایی وجود ندارد که قابل بهبود و ارتقاء بخشیدن نباشد. برخی از ویژگی‌های را می‌توان آموخت و برخی دیگر را می‌توان اصلاح کرد. به این دلیل ما شاخصه‌ها قضایی را در دو دسته دانش‌ها و مهارت‌های قابل آموختن و مهارت‌های قابل بهبود و ارتقاء طبقه‌بندی کرده‌ایم همچنین ما ارزش‌های والایی را شناسایی کرده‌ایم که نمود آن را می‌توان در قضاتی دید که شاخصه‌های قضایی مشخصی را دارا هستند و منطبق بر این شاخصه‌ها عمل می‌کنند.

۲-۲-۱. دانش‌ها و مهارت‌های الزامی دادرسان

در این قسمت توانایی‌هایی را مورد اشاره قرار می‌دهیم که برای دستیابی به آرمانی‌ترین شکل یک قاضی شایسته لاجرم می‌باید آموخته شوند. این توانایی‌ها شامل مواردی چون دانش اجتماعی و حقوقی مهارت‌های ارتباط شفاهی و کتبی دقت، مهارت‌های مدیریت زمان و سازگاری نسبت به حجم زیاد کار می‌شود.

۲-۲-۱-۱. دانش‌های اجتماعی و حقوقی

دانش حقوقی عمیق و همه‌جانبه برای تبدیل شدن به یک قاضی خوب ضروری می‌نماید. تأکید ما بر دانش به این خاطر است که قضات برجسته نیز داشتن دانش تخصصی را اساسی‌ترین فضیلت قضایی اعلام کرده بودند. علاوه بر این می‌توان پذیرفت که یک دادرس باید از برج عاج بررسی انتزاعی مسائل پایین آید و نسبت به مسائل و دغدغه‌های روزمره جامعه آگاهی داشته باشد درک پدیده‌ها و مفاهیم اجتماعی مانند تبعیض و کلاهبرداری انکارناپذیر است. (همان، ص ۳۶۶).

۲-۲-۱-۲. مهارت‌های ارتباط شفاهی و کتبی

داشتن مهارت‌های ارتباطی مطلوب چه با ارباب‌رجوع‌ها و چه با همکاران، اهمیت اساسی دارد. ارتباط قضایی با ارباب‌رجوع‌ها باید ساده و منطقی باشد. قضات باید چه به صورت شفاهی و چه به صورت نوشتاری شفاف دقیق و به صورت صحیحی ابراز نظر کنند. مهارت‌های ارتباط مطلوب

شامل توانایی گوش کردن نیز می‌شود. تعامل مناسب با همکاران جریان اطلاعات درون سیستم قضایی را افزایش داده و گفتگوی قضایی را تسهیل می‌کند که به تعبیر دیگر اشتراک تجربه‌های موفق میان قضات را سبب می‌گردد. در تحقیق حاضر و هنگام بررسی انتظارات موجود از قضات اروپایی نشان دادیم که دامنه شمول مهارت‌های ارتباطی توسعه‌یافته و توانایی صحبت به زبان‌های غیر از زبان مادری فهم زبان‌های دیگر را نیز شامل می‌شود. (یزدی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۰)

۲-۲-۱-۳. دقت

مهارت «دقت» به این معنا است که یک دادرس خوب باید جزئی‌نگر هوشیار و محتاط باشد و اصطلاحات حقوقی را به‌صورت معقول و منطقی به کار گیرد و به‌صورت شفاف صریح و عمیق استدلال کند. یک دادرس خوب واقعیات یک پرونده را به‌صورت دقیقی مدنظر قرار داده و برای جلسه تبادل نظر استماع و دادرسی آماده می‌شود. شرکت‌کنندگان در آزمون قضاوت و قضات کارآموز نیز تصدیق کرده بودند که دقت، یک مهارت ضروری به شمار می‌آید که قاضی باید دارا باشند. (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۳۲۸)

۲-۲-۱-۴. مهارت‌های مدیریت زمان

مهارت‌های مدیریت زمان چه در محل کار و چه در سبک زندگی برای قضات اهمیت اساسی دارد. در طول زمان رسیدگی دادگاه که پیوند نزدیکی با زمان معقول مورد نیاز برای خاتمه رسیدگی دارد. برنامه‌ریزی مناسب مدیریت مؤثر پرونده و توانایی فراهم کردن شرایط ختم دادرسی و اجبار اصحاب دعوا در این باب مورد نیاز است. یک دادرس خوب باید رفتار اعضای دعوا را که عمده‌اً در پی ایجاد تأخیر در رسیدگی هستند پیگیری کند و از بروز آن‌ها ممانعت به عمل آورد. همچنین مهارت‌های مدیریت زمان دربرگیرنده توانایی تعیین اولویت‌ها در میان وظایف گوناگون نیز می‌باشد. قضات خوب قادرند از موقعیت‌های دشوار به‌صورت موفقیت‌آمیزی رهایی یابند و مشکلات بسیاری را حل و فصل کنند. تعادل میان محیط خانواده و محیط کار و داشتن یک زندگی شخصی هماهنگ به عملکرد بهتر سیستم قضایی کمک می‌کند. (کازمی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۶)

۲-۲-۱-۵. سازگاری با حجم کاری

سازگاری با حجم کاری و استقامت با مهارت مدیریت زمان ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا قضات ملزم هستند که تعداد زیادی از پرونده‌ها را در یک سطح بسیار حرفه‌ای رسیدگی کنند. مدیریت یک

پرونده پرحجم هم‌زمان به مهارت‌های چندگانه‌ای نیاز دارد. به‌منظور برآورده کردن این انتظارات یک قاضی باید سلامت ذهنی و فیزیکی مناسبی داشته باشد. (یزدی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۳)

۲-۲-۲. ارتقای مهارت‌های دادرسان

برخی از مهارت‌ها و ویژگی‌های قضایی عمده‌تاً ذاتی هستند. باین‌حال، می‌توان آن‌ها را بهبود و ارتقاء بخشید این ویژگی‌های شامل کاریزما استقامت اخلاقی، مهارت‌های حل‌المسائلی و استنباطی قاطعیت هم‌دلی خلاقیت و شجاعت است.

۲-۲-۲-۱. شخصیت قوی

قضات باید در خود یک شخصیت قوی و کاریزماتیک را تقویت کنند. این مشخصه شخصیتی به آن‌ها این اعتبار را می‌دهد که بتوانند ارباب‌رجوع و عامه جامعه را نسبت به درستی تصمیمات قضایی خود متقاعد سازند. «کاریزما» به‌عنوان عنصر اساسی در هدایت و الهام بخشی به اصحاب دعوا به شمار می‌آید و قضاتی که از این مشخصه شخصیتی برخوردارند می‌توانند بدون تکیه بر زور و دیگر ابزارهای اقتدار و تنها با پشتوانه مشخصه‌های شخصیتی به این هدف نائل آیند قضات باید دارای فضیلت‌هایی چون شفقت، اعتمادبه‌نفس و جذابیت باشند تا بتوانند تأثیر قوی بر دیگران داشته باشند. اهمیت «کاریزما» به‌عنوان یک فضیلت قضایی در دوران باستان مطرح گردید و همچنان نیز ارزش خود را حفظ کرده است و در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز همانند دستگاه‌های مدرن حقوق مدنی و کامن‌لا مورد توجه قرار گرفته است. (Cavinett, 2003, pp936-944)

۲-۲-۲-۲. کنترل بر نفس

کنترل بر نفس به این معنا است که قضات به‌مثابه مدافعان خستگی‌ناپذیر عدالت نباید از نظر اخلاقی متزلزل باشند. آن‌ها باید مبتنی بر اصول یک راهنمای بی‌نقص که توانایی تمایزگذاری میان خوب و بد را دارا است رفتار کنند. همچنین ثبات اخلاقی شامل توانایی خویش‌داری و خوداتکایی است که از قضات در برابر افراط‌هایی که ممکن است در پاسخ به انگیزه‌ها نیازها و امیال شخصی رخ دهد محافظت می‌کند حفظ ثبات اخلاقی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی قاضی است که همه‌روزه با نزاع‌های خشونت‌آمیز و مسائل اخلاقی پیچیده روبه‌رو است. تاریخ نشان می‌دهد که قضات معمولاً استانداردهای اخلاقی بالایی را به نمایش گذارده‌اند در آن دوران که قضات فاقد فضیلت‌های اخلاقی بوده‌اند دوران تاریک بشریت رقم خورده است.

(جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۳۸۷)

۲-۲-۳. قدرت بر استدلال و استنباط قضایی

قضات آرمانی به صورت بسیار دقیق و منطقی می‌اندیشند و در زمانی که مسائل حقوقی مطرح می‌شود کل سیستم حقوقی و قوه قضاییه را به همراه تمامی پیچیدگی‌هایی که دارد مطرح نظر قرار می‌دهند آن‌ها قادرند انواع متفاوت از اطلاعات را از منابع گوناگون مورد توجه قرار دهند. استدلال‌ات را ارزیابی کنند و جنبه‌های مرتبط یک پرونده را شناسایی کنند. مهارت‌های حل المسائلی به منظور حل مشکلات یا موقعیت‌های پیش‌بینی نشده در دادرسی قضایی ضروری می‌نماید قضات به منظور شناسایی نقاط ضعف و قوت راه‌حل‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و رویکردهای متفاوتی که می‌توانند در یک پرونده اتخاذ کنند باید قوه منطق و استدلال را به کارگیرند.

۲-۲-۴. قاطعیت

«قاطعیت» به توانایی تصمیم‌گیری سریع و کارآمد اشاره دارد. تصمیم‌گیری شامل انتخاب میان راه‌حل‌های جایگزین به منظور حل یک مسئله است. تصمیم‌گیری قاطعانه در پرونده‌هایی که قاضی نسبت به چگونگی صدور رأی حساسیت دارد، به سختی حاصل می‌شود. با این وجود، تصمیم بد بهتر از عدم تصمیم‌گیری است. (همان، ص ۳۸۸)

۲-۲-۵. همدلی

«همدلی» توانایی فهم و سهیم شدن در احساسات دیگران است. حس همدلی برای قضات اهمیت اساسی دارد. این فضیلت به آن‌ها اجازه می‌دهد که بفهمند کنش‌هایشان در افراد دیگر چه احساس و واکنشی را برمی‌انگیزد و به آن‌ها کمک می‌کند که دیدگاه‌های دیگران را در تصمیم‌گیری‌های خود مورد ملاحظه قرار دهند. تصویر الهه‌های عدالت دوران باستان و شخصیت‌های بلندمرتبه زنان در فرهنگ‌های باستانی نشان داده است که ویژگی‌های زنانه مانند همدلی از ارزش‌های قضایی مهم به شمار می‌آیند. (همان، ص ۳۸۸)

۲-۲-۶. خلاقیت و شجاعت

قضات به منظور یافتن راه‌حل‌های قانونی جدید برای مسائلی که به درستی تنظیم نشده‌اند و نیز حل و فصل تعارضات احتمالی میان هنجارها نیازمند «خلاقیت» هستند. «خلاقیت» شامل بررسی مسائل از یک دیدگاه بدیع و توسعه راه‌حل‌های مبتکرانه است. تفکر خلاق زایش ایده‌های جدیدی را در پی دارد و ایده‌های ارتودوکسی و سترون را بازبینی کرده و صورتی نو می‌بخشد. تفکر خلاق اشتیاق به پذیرش تغییر و داشتن یک رویکرد منعطف به ایده‌ها و احتمالات بدیع را به همراه دارد.

از طرف دیگر، شجاعت به معنای پذیرفتن ریسک اعمال راه‌حل‌های خلاقانه‌ای است که سابقه پیشینی ندارند. از سوی دیگر روحیه شجاعت قضات را قادر می‌سازد تا با مشکلات ترس‌ها و فشارهایی که به شیوه‌های متفاوت بر آن‌ها اعمال می‌شود و از تحقق مطلوب نتیجه پرونده ممانعت می‌کند روبه‌رو شوند و بر آن‌ها فائق آیند. بازبینی و مرور دیدگاه‌های علمی نشان داده است که شجاعت قضایی قضات را قادر می‌سازد که به‌درستی از عهده وظایف محوله برآیند. (طبرسی، بی‌تا، ص ۳۴۹)

۲-۲-۳. ارزش‌ها

با ارتقاء درونی‌سازی و عملیاتی کردن مهارت‌ها و فضیلت‌هایی که در بالا ذکر کردیم قضات تجسم بخش ارزش‌های والایی چون استقلال و بی‌طرفی قابل اعتماد بودن و حسن اخلاق خواهند بود.

۲-۲-۳-۱. استقلال و عدم جانب‌داری

ما پیش‌تر جنبه‌های چندگانه جانب‌دار نبودن را ذکر کردیم که این مسئله توجه ما را به ارزش والای استقلال و بی‌طرفی به‌مثابه یکی از مهم‌ترین فضیلت‌های قضایی جلب کرد. این دو اصل از پیش شرط‌ها و ملزومات یک محاکمه عادلانه به‌شمار می‌آیند. «استقلال» به این معنا است که قاضی محق است و به‌دیگر سخن، موظف است که بر اساس قانون و بدون ترس از انتقاد یا انتقام‌گیری دیگران حکم قضایی صادر کند، حتی اگر پرونده موردنظر حساس و پیچیده باشد. یک قاضی در هنگام رسیدگی به یک پرونده نباید هرگز از فشارها و عناصر بیرونی تأثیر بپذیرد و در عین حال باید درباره قوانین که شامل موضوعات حقوقی حل‌نشده است ابراز نظر کند. «بی‌طرفی» به این معنا است که تصمیمات قضایی باید بر پایه معیار عینی تعیین شود و جانب‌داری تعصب یا انتفاع رساندن به فرد خاصی بدون ارائه دلایل قانع‌کننده اساس تصمیم‌گیری قاضی نباشد. (ملکی، اسماعیلی، ص ۳۴)

۲-۲-۳-۲. قابل اطمینان بودن

ارزش والای قابل اعتماد بودن به این معنا است که قضات چه در دادگاه و چه در محیط بیرون از آن منطبق بر بالاترین استانداردهای رفتاری عمل کنند. قدرت قابل توجهی در اختیار قضات قرار گرفته است که ممکن است تأثیری شگرف بر زندگی حاضران در دادگاه داشته باشد؛ بنابراین حفظ استانداردهای بالای اخلاقی به‌منظور اطمینان جامعه به سیستم قضایی ضرورت دارد. (همان، ص ۳۵)

۲-۲-۳-۳. اخلاقی بودن

همه مهارت‌ها، ارزش‌ها و فضیلت‌هایی که پیش‌تر ذکر کردیم به‌صورت کلی ذیل مقوله ارزش

والای اخلاقی بودن قرار می‌گیرد «اخلاقی» بودن یکی از مهم‌ترین اصولی است که قاضی باید بر اساس آن عمل کند این ارزش از هنجارها و استانداردهایی تشکیل می‌شود که بر قضات اثر می‌گذارد و موضوعاتی مانند چگونگی حفظ استقلال و بی‌طرفی چگونگی اجتناب از بروز رفتارهای ناپسند چگونگی استفاده و سوءاستفاده از قدرت قضایی را نیز پوشش می‌دهد موارد مزبور اصول بنیادین عمل اخلاقی به شمار می‌آیند و پیکره کلی قواعد حقوقی را پی‌ریزی می‌کنند. (همان، ص ۳۶)

۲-۳. متد ارتقای فضیلت‌های قضایی

ارتقاء شخصیت حرفه‌ای قاضی فرایندی سخت و زمان‌بر است و به‌صورت بطنی گسترش یافته و نیازمند ممارست‌های مداوم است. در این فرایند، داوطلبان قضاوت به‌صورت چشم‌گیری به نهادها و عملکردهای فضیلت مدار وابسته هستند که از رهگذر آن‌ها فضیلت‌های قضایی آموخته و آموزش داده می‌شود. تبدیل شدن به یک قاضی شایسته و باصلاحیت از یک فرایند مداوم تزکیه نفس منتج می‌شود که مدت زمان زیادی پیش از این که یک فرد عملاً در کسوت قضاوت درآید آغاز می‌شود. سوابق پیشینی مانند زندگی خانوادگی و اجتماعی، آموزش مقدماتی و تکمیلی و نحوه جامعه‌پذیری به‌صورت مشهودی در ارتقاء فضیلت مای قضایی اهمیت دارند. این پیش‌زمینه‌ها محملی را فراهم می‌آورند که اتخاذ یک موضع انتقادی نسبت به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌های ذاتی موجود در جامعه را ممکن می‌سازند. دانشکده حقوق نهاد اساسی دیگری برای توسعه و آموزش فضیلت‌های قضایی است. دانشگاه‌ها باید در شکل‌گیری شخصیت دانشجویان نقش ایفا کنند. مطالعات حقوقی به شکل مطلوبی مشخصه‌های شخصیتی چون شجاعت استقلال و بی‌طرفی را در دانشجویان تقویت می‌کنند به تعبیر دیگر مطالعات حقوقی دانشجویان را با مطالعات موردی و دانش روان‌شناختی روبه‌رو می‌سازند و به آن‌ها کمک می‌کند که مبتنی بر اصول اخلاقی عمل کنند. (بهرامی، بی‌تا، ص ۱۹۸)

پرواضح است که قوه قضائیه با آموزش و تعلیم ویژه‌ای که به قضات و کارآموزان قضایی ارائه می‌دهد نقشی محوری را در این زمینه بر عهده دارد. قوه قضائیه باید از عواملی که مانع توسعه و بهبود فضیلت‌های قضایی است میرا باشد. معیار «راندمان» که بر اساس آن قضات مجبور می‌شوند زمان اندکی را به یک پرونده اختصاص دهند ممکن است به‌جای تقویت فضیلت‌های قضات سبب افزایش کاستی‌ها و معایب در آن‌ها گردد.

قضات به‌جای این که با واقعیت‌ها روبه‌رو شوند و مشکلات بررسی حقوقی این واقعیت‌ها را

برطرف سازند صرفاً به بازبینی احکام پیش‌نویس مشغول‌اند که این مسئله قدرت تصویرپردازی آن‌ها را تضعیف می‌کند. جایگاه نخبگی اعتماد و احترام بیش‌ازحد گروهی از قضات مانعی بر سر توسعه فضیلت‌های والای قضایی به شمار می‌آید. در ادامه می‌بایست اشاره کرد که توسعه فضیلت‌های قضایی یک تلاش فردی است اما باید به‌وسیله محیط اجتماعی و حرفه‌ای توسعه و ارتقاء یابد آموزش دستورالعمل مای نوشته‌شده برای مثال کتابچه‌های راهنما و هدف مهم و ضروری است. انجمن‌های بین‌المللی مانند شبکه آموزش قضایی اروپا می‌توانند با توسعه برنامه آموزشی در باب ارزش‌های قضایی عام و ارائه آموزش در این زمینه و فراهم آوردن امکان تبادل برنامه‌ها با هدف تاثیرگذار باشند.

نتیجه‌گیری

فضیلت قضایی ملاحظاتی را در بردارد که رفتار خوب حرفه‌ای را همراه و یا جدا از عوامل مصلحتی و قانونی تعیین می‌کند یکی از وظایف مهم این رشته نقد حرفه‌ای است که به رسمیت شناخته شده است؛ زیرا کنترل‌های قانونی محدودیت دارند و غالباً ناظر به بعد از نقص مقررات است؛ ولی رفتارهای اخلاقی با تأکید بر خودفرمانی از آسیب خسارت و سایر مشکلات قبل از وقوع آن‌ها پیشگیری می‌کند. اشخاص ذی‌نفع از صاحبان حرفه‌ای که با آن مرتبط و به آن نیازمند انتظار دارند که ایشان به تعهدات اخلاقی ملتزم و مسئولیت‌پذیر باشند و صاحبان حرفه نیز از دانش اخلاق انتظار دارند که به بیان نظام‌مند مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه و به تشخیص دقیق و حل اثربخش مسائل اخلاق حرفه بپردازد.

نظر به مدل قانون‌گذاری عادلانه و متناسب و با توجه به این‌که معیار رفتار درست اخلاق است. در کنار اصول و قواعد اخلاقی و انتزاعی مانند عدالت، انصاف، عدم تعدی، عدم خشونت، رعایت کرامت انسانی و حریم خصوصی اقتضائات عملیاتی متعددی وجود دارد از جمله: حمایت قانون‌گذار از اخلاق توجه و درک اصل حاکمیت قانون ممیزی اخلاقی مصوبات قانونی، اخلاقی بودن ادبیات قانون که صاحب‌منصبان و سازمان‌های مربوطه با رعایت این اقتضائات اخلاقی در قالب اخلاق حرفه‌ای قانون‌گذاری دستگاه قضایی قادر است قوانینی عادلانه، شایسته و متناسب اجرا کند و به این ترتیب امنیت جامعه و اعتماد مردم را فراهم سازد.

منابع

۱. ارسطو (۱۴۰۰). اخلاق نیکو ماخوسی (محمدحسن لطفی، مترجم)، تهران: انتشارات طرح نو. (چاپ پنجم).
۲. ———. (۱۴۰۲). سیاست (حمید عنایت، مترجم)، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. (چاپ یازدهم).
۳. گروه قضایی تقویت یکپارچگی قضایی. (۱۳۸۴). اصول بنگلور در رفتار قضائی. نشریه قضاوت، شماره ۳۶.
۴. بهرامی، محمدکاظم. (بی تا). اخلاق و آداب قضاوت. دفتر نشر معارف.
۵. پهلوان، طیبه؛ و آرزومند، فاطمه. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی اخلاق حرفه‌ای قضات دادگاه‌ها. سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی. تهران.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). ادب قضا در اسلام (مصطفی خلیلی، تحقیق و تنظیم). مرکز نشر اسراء. (چاپ ششم).
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، ج ۱، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. فروغی، محمدعلی. (۱۳۶۷). حکمت. نشر زوار. (چاپ چهارم).
۹. سیدرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). نهج‌البلاغه (محمد دشتی، مترجم)، قم: نشر مشهور.
۱۰. شاطری پور اصفهانی، شهید؛ و یامین پور، وحید. (۱۳۹۵). فرهنگ سبک زندگی و جرم، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
۱۱. صالحی، محمد؛ حسینی درونکلایی، سیده زهرا؛ و محمدی، شهربانو. (۱۳۹۶)، رابطه استراتژی‌های منابع انسانی با اخلاق حرفه‌ای کارکنان دانشگاه علوم پزشکی مازندران، نشریه اخلاق زیستی.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل. (بی تا). مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
۱۳. طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۴۰۲). اخلاق ناصری (عزیزالله علیزاده، ویراستار)، تهران: انتشارات فردوس. (چاپ پنجم).
۱۴. قراملکی، فرامرز احد. (۱۳۹۳). اخلاق حرفه‌ای، ج ۵، تهران: نشر مجنون.
۱۵. کاظمی، سیدعلی اصغر. (۱۳۷۶). اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل، انتشارات قومس.
۱۶. ملکی، محمد؛ و اسماعیلی، محسن. (۱۴۰۰). امکان اخلاق‌سازی در فرایند استدلال



قضایی. مطالعات حقوق خصوصی، ۵۱ (۲).

۱۷. میر سیاسی، ناصر. (۱۳۸۱). مدیریت استراتژیک منابع انسانی و روابط کار، تهران: نشر میر.

۱۸. یزدی، محمد. (۱۳۸۶). اخلاق قضایی، نشر پیام مهدی (عج). (چاپ اول).

1. Sumner, H. Maine. (1861). *Ancient Law*, London: John Murray Albemarle.
2. Syam, P. (2017, May 8). What is the Difference Between Common Law and Civil Law? Retrieved from <https://onlinelaw.wustl.edu/blog>
3. Szathmáry, B. (2004). *Magyar Egyházjog* [Canon Law of Hungary]. Századvég.
4. Szendi, A. (2012). *A bírói szervezet és a bírói pálya a történelmi, társadalmi átalakulások folyamatában* [The Judiciary and the Judicial Profession in the Process of Historical and Social Transformations]. University of Pécs.
5. The Big Interview: Sir Anthony Hooper. (2017, May 8).